

سرکوب نرخهای حق الزحمه حسابرسی

“دلایل” “تبعات”



**حداقل نرخهای ساعتی خارج از ایران حتی
کشورهای همجوار و منطقه بیش از ۲۵ برابر ایران**

غلامرضا شجری (شریک موسسه حسابرسی سامان پندار)

سازش

با سلام و خوش آمد خدمت جنابعالی. با همراهی شما می‌خواهیم از آینده حرفه حسابرسی و پایداری آن با خوانندگان حسابرس مطالبی را در میان بگذاریم. همانطور که از پیشینه علایق پژوهشی شما هم برمی‌آید حق الزحمه خدمات حسابرسی مصداق پایداری حسابرسی برشمرده می‌شود. موضوع این است که حق الزحمه حسابرسی که همان به‌نوعی جبران اقتصادی در قبال خدمات حسابرسی است بر کیفیت حسابرسی، توسعه حرفه حسابرسی و موسسات حسابرسی آثار متعددی دارد. نظر شما در این باره چیست؟

انجام شده است که همگی نشان می‌دهد ریسکهای تجاری شرکت می‌تواند ارتباط نزدیکی با ریسکهای حسابرسی داشته باشد و قطعاً افزایش ریسکهای مرتبط با حسابرسی منجر به افزایش ساعات کاری، استفاده از منابع بیشتری نظیر تکنولوژیهای پیشرفته و متخصصین مجرب می‌باشد. به همین دلیل، حق الزحمه حسابرسی با افزایش ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. حسابرسان برای کاهش خطر حسابرسی می‌بایست میزان کار حسابرسی را افزایش دهند تا از قابلیت اتکای صورتهای مالی برای اجتناب از تبعات ناشی از ریسکهای حسابرسی و برخی ریسکهای عملیاتی اطمینان حاصل کنند. با این حال، برای بخش دیگر ریسکهای تجاری، حسابرسان نمی‌توانند با اجرای روشهای حسابرسی آن‌ها را کاهش دهند یا حذف کنند و فقط می‌توانند از مشتریانی که ریسکهای تجاری بالایی دارند، از طریق حق بیمه به عنوان جبران، حق الزحمه حسابرسی بالاتری دریافت کنند. متأسفانه در کشور ما شرکتهای بیمه نتوانسته‌اند در زمینه جبران ریسک حسابرسی اقدام بایسته‌ای را همانند سایر کشورهای پیشرو در دنیا انجام دهند بنابراین، تجزیه و تحلیل رابطه بین ریسکهای تجاری و حق الزحمه حسابرسی تاثیر مهمی در اخذ حق الزحمه حسابرسی معقول دارد.

شجری

حرفه حسابرسی، مانند سایر حرفه‌ها، برای حفظ و ارتقاء جایگاه خود نیازمند کسب اعتماد عمومی است. برای تمامی حرفه‌ها تقاضای کیفیت وجود دارد در حسابرسی نیز همین است. پیامد ناشی از کیفیت به سرعت قابل مشاهده نیستند، البته باید توجه داشت که کیفیت حسابرسی از دیدگاه افراد مختلف، دارای معانی متفاوتی است. برخی مشتریان کیفیت خدمات حسابرسی را در کاهش زمان رسیدگی و هزینه حسابرسی و برخی دیگر اظهارنظر مطلوب، عده‌ای نیز کیفیت را مشاوره حسابرس در ارائه صورتهای مالی و کاهش ریسک اعتباری شرکت و... می‌دانند. لیکن مقصود بنده از کیفیت، هرآنچه که اعتماد عمومی را از حرفه بالا می‌برد است. از آنجا که بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران تقارن اطلاعاتی وجود ندارد. هرچه حسابرس قادر باشد بر صورتهای مالی حسابرسی شده نور روشن‌تری بر واقعیات شرکت در راستای رعایت استانداردها و قوانین بتابد، افزایش اعتماد عمومی و اهداف کیفی بیشتری را برای موسسه خود به ارمغان آورده است و به تبع آن توسعه حرفه را منجر شده است.

لیکن باید توجه داشت که این چرخه، زمانی کامل خواهد شد که حق الزحمه اولاً؛ متناسب با جبران مخارج مولفه‌های تولید خدمات حسابرسی با کیفیت (شامل جذب نیروی انسانی توانمند و حرفه‌ای، فناوری اطلاعات و...) باشد ثانیاً؛ سود مناسب برای موسسه را در بر داشته باشد. به بیان دیگر باید حق الزحمه حسابرسی، فراتر از جبران اقتصادی آن باشد در غیر این صورت چرخه به صورت معکوس عمل خواهد نمود و در نهایت برآیند معکوس آن تبعاتی به غیر از ایجاد فساد و زوال حرفه را در پی نخواهد داشت.

ساجد

چرا انجام حسابرسی با ریسک بالا مستلزم حق الزحمه بالا می‌باشد؟

شجری

آنچه که مسلم است حسابرس باید ریسکهای واحد مورد رسیدگی خود را مورد ارزیابی قرار دهد تا بدین وسیله از خدشه‌دار شدن شهرت خود جلوگیری کند. مطالعات عمیقی در مورد تاثیر ریسکهای تجاری بر حق الزحمه حسابرسی در دنیا

حق الزحمه حسابرسی باید

براساس درجه مسئولیت

ریسک و مهارت در گیر و

زمان تخصیصی برای ارائه

خدمات حرفه‌ای باشد

سازگار

آیا تاکنون اقدام مشخصی برای تعیین حق الزحمه حسابرسی از سوی نهادهای مربوط شده است؟ نتیجه آن چه بوده است؟

شجری

شورای هفتم جامعه حسابداران رسمی ایران در سال ۱۳۹۸ تدوین دستورالعمل تعیین حق الزحمه حسابرسی را به عنوان یکی از دغدغه‌های حرفه به هیئت‌مدیره جامعه تکلیف نمود به دلیل اختلاف نظر در خصوص معیارهای به کار گرفته شده و فقدان فرهنگ پذیرش در آن زمان، تغییرات نرخ حق الزحمه محدود به چند ابلاغیه توسط دبیرکل محترم به موسسات گردید. اگر چه این ابلاغیه‌ها لازم بود ولی به نظر بسیاری از اهالی حرفه از کفایت لازم برخوردار نبود. وضعیت فعلی در زمینه بحران نرخ حق الزحمه از یک سو، توقف فعالیت برخی از موسسات و خروج شاغلین در حرفه را نشانه رفته است و از سوی دیگر در حال شکل دادن شکاف بین مسئولیت و کیفیت عملیات حسابرسی است. از این رو این راهنمای عملی توصیه شده مبنایی را برای ایجاد سطح معقولی از حق الزحمه، متناسب با ارائه خدمات تضمین حرفه‌ای با استاندارد قابل قبول و شناخته شده تعیین می‌کند.

سازگار

در کل چه روشهایی برای تعیین حق الزحمه حسابرسی وجود دارد؟

شجری

به طور کلی دو روش برای محاسبه هزینه وجود دارد:

الف) بر اساس زمان

مدیریت زمان برای اطمینان از کارایی عملکرد حسابرسی ضروری است در حالی که ثبت زمان، بخش جدایی‌ناپذیر از شواهد مستند کار انجام شده است. نقش دیگر زمان می‌تواند به عنوان تبلور بخشی از حق الزحمه حسابرسی باشد. زمان صرف شده توسط شریک و کارکنان از نظر کیفیت و سطح شایستگی مورد نیاز مبنایی برای برآورده کردن استانداردهای حسابرسی با توجه به اندازه، پیچیدگی و ورودی فنی مورد انتظار از تکالیف حسابرسی می‌باشد. یک عامل حیاتی در حفظ و دوام یک کسب‌وکار به هزینه‌یابی خوب بستگی دارد. در غیاب

متاسفانه در کشور ما

شرکتهای بیمه نتوانسته‌اند

در زمینه جبران ریسک حسابرسی

اقدام بایسته‌ای را همانند

سایر کشورهای پیش‌رو در

دنیا انجام دهند

یک مبنای یکسان، نرخهای حق الزحمه ممکن است به دلیل محاسبه ناکافی یا بیش از حد عوامل هزینه متغیر، متفاوت باشد. بنابراین مبنای محاسبه زمان می‌بایست از بررسیهای ۱- زمان پذیرش پروژه حسابرسی ۲- تجربیات گذشته، برآورد گردد. محاسبه حق الزحمه بر اساس مبنای زمان در حرفه‌های گوناگون متفاوت است هرچه تکنولوژی و استفاده از فناوری افزایش یابد زمان مورد انتظار نیز کاهش خواهد یافت.

ب) مبتنی بر ارزش

حق الزحمه حسابرسی به طور کلی باید بر اساس درجه مسئولیت، ریسک و مهارت درگیر و زمان تخصیصی به شرح پیش گفته، برای ارائه خدمات حرفه‌ای باشد. مثالی در این زمینه محاسبه هزینه را بر حسب ارزش مشخص می‌کند.

امروزه بخشی از وجوه پرداختی جهت خرید اتومبیلهایی از قبیل بنز و بی‌ام دلیو به خاطر برند این قبیل اتومبیلها می‌باشد وگرنه یک اتومبیل کره‌ای و یا ژاپنی با کیفیت نیز همان کارکرد را دارد. متاسفانه در بخش حسابرسی خصوصی کشور نیز موسسه‌داران قادر به برندسازی نبوده‌اند البته بخشی از

وارد می‌نماید. از سوی دیگر بدون اصلاح نرخهای حق الزحمه و افزایش کارایی حسابرسی، دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز حرفه تا حدودی غیرممکن خواهد بود و حرفه شاهد مدل‌های آینده‌نگری کسب‌وکارهای حرفه‌ای موفق نخواهد بود.

در راستای همین سیاست‌گذاری، شورا تلاش برای تحقق سه سناریو مجزا برای اصلاح حق الزحمه‌ها را در دستور کار خود قرارداد.

۱- تاکید بر تعیین نرخ پایه برای ۱۰۰ ساعت و ترمیم سالانه آن توسط هیئت‌مدیره،

۲- تعیین حداقل درصد افزایش نرخ پایه مبنای محاسبه حق الزحمه قراردادهای سالانه،

۳- مرتبط نمودن نرخ حق الزحمه قراردادهای حسابرسی با اندازه واحد مورد رسیدگی.

دو سیاست‌گذاری اول و دوم عملیاتی گردید و تلاش اعضای شورا برای به اجماع رسیدن (اعضاء شورا، هیئت‌مدیره و ناظرین) جهت عملیاتی شدن سیاست‌گذاری سوم محقق نشد. اگرچه اعتقاد بر این بود که هنوز در ابتدای راه اصلاح فرایند نرخ‌گذاری برای قراردادها در کلیه سطوح هستیم، اما رجای واثق داشتیم که این حرکت شورای هفتم نقطه عطفی برای بهبود مستمر در تامین رفاه، افزایش کیفیت و بالندگی حرفه خواهد بود که امید است همچون شورای هفتم در شوراهای آتی شاهد توجه جدی به آن باشیم.

اقدامات انجام شده در عملیاتی نمودن سناریوهای پیش‌گفته سناریو اول: تعیین نرخ پایه برای ۱۰۰ ساعت و ترمیم سالانه آن توسط هیئت‌مدیره (هیچ قراردادی کمتر از این نرخ نباید منعقد گردد)

اطلاعات مستخرجه در محدوده عملکرد سال ۱۳۹۷ موسسات حسابرسی از مآخذ سامانه سحر بیانگر این مطلب بود که ۷۰ درصد تعداد قراردادهای منعقد در بخش حسابرسی سالانه، حق الزحمه‌ای کمتر ۱۵۰ میلیون ریال از مشتریان اخذ می‌کنند لذا در همین راستا نرخ پایه بر مبنای ۱۰۰ ساعت تعیین و هر ساله بر اساس شاخصهای اعلامی وزارت کار و رفاه اجتماعی تعدیل و توسط دبیرکل مبلغ موصوف به موسسات ابلاغ می‌گردد.

سناریو دوم: تعیین حداقل درصد افزایش نرخ پایه مبنای محاسبه حق الزحمه قراردادهای سالانه (قراردادهای

این ناتوانی به دلیل نفوذ کم حسابرسی در جامعه بوده است. مطالعات تجربی انجام شده در مجامع حرفه‌ای دنیا، نشان می‌دهد ارتباط متناسبی بین حق الزحمه حسابرسی بر اساس هزینه زمانی و ارزش کل داراییها یا هزینه‌های عملیاتی وجود دارد. بنابراین، برای هماهنگی سطوح حق الزحمه در این مجامع توصیه شده که مناسب است حق الزحمه حسابرسی را با استفاده از مجموع داراییها مطابق صورتهای مالی تعیین نمود. انتخاب مجموع داراییها به‌عنوان مبنای منعکس‌کننده نزدیکترین تقریب به تعیین حق الزحمه می‌باشد. فقط در مواردی که استفاده از مجموع داراییها مناسب نیست، ممکن است کل هزینه‌های عملیاتی شرکت را مبنای قرار دهیم که باید مرتبط باشد و به‌طور دقیق منعکس‌کننده حق الزحمه باشد.

سپاس

به نظر شما به‌عنوان یکی از اعضای شورای هفتم که تاثیرگذار بر اقدامات اصلاح حق الزحمه حسابرسی بوده است، مشکلات ایجاد شده به دلیل پایین بودن حق الزحمه حسابرسی کدامند؟ لطفا خلاصه‌ای از اقدامات انجام شده در راستای تلاش برای از بین بردن این مشکلات در شورای هفتم را بیان نمایید.

شجری

نقش حق الزحمه در راهبری هریک از مدل‌های کسب‌وکار برکسی پوشیده نیست، شورای هفتم در پی رسالت خود مصمم گردید تا اقدامات قابل توجهی در خصوص ترمیم و سامان‌دهی حق الزحمه‌ها انجام دهد. اصلی‌ترین معضل موسسات نقصان نرخهای حق الزحمه می‌باشد و تحقیقات آکادمی و میدانی در سراسر دنیا نشان می‌دهد که حق الزحمه ارتباط معنادار و مستقیمی با کیفیت خدمات حسابرسی دارد. براساس گزارشات ارائه شده توسط هیئت‌مدیره وقت جامعه حسابداران رسمی، از مآخذ آخرین صورتهای مالی حسابرسی شده موسسات در شورای هفتم، بخش قابل توجهی از موسسات حسابرسی دارای حاشیه زیان بودند و اعتقاد شورا براین بود که علاوه بر بهبود مستمر در زمینه اصلاح و سامان‌دهی حق الزحمه‌ها، می‌بایست کارایی عملیات حسابرسی را نیز افزایش داد چرا که ظرفیت حرفه نشان می‌داد کمبود نیروی انسانی کیفی در بخش حرفه حسابرسی فشار مضاعفی را بر پیکره موسسات

در "آیین‌نامه سقف مجاز ارائه خدمات تخصصی و حرفه‌ای توسط اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران" عوامل تاثیرگذار در زمینه تعیین نرخ خدمات حرفه‌ای حسابرسی به لحاظ پذیرش ریسک و مسئولیت دیده نشده و صرفاً در ابعاد ۱- اندازه کار با شاخص برآورد ساعت کار ۲- نرخ متوسط حق الزحمه با شاخص ترکیب نیروی انسانی، دیده شده است. شاید بتوان بیان نمود این ماده ناظر بر سرپرستی کارها بوده است نه اندازه و ریسک تجاری شرکتها، لیکن در هر صورت در شرایط فعلی این تغییر در آیین‌نامه ضروریست. پیشنهاد تغییر آیین‌نامه به متولیان ارائه شد لیکن مصوب و یا عملیاتی نشد. چرا که اکثریت اعضای شورای هفتم معتقد بودند بنا به دلایل زیر ضرورت بازنگری آیین‌نامه موصوف اجتناب ناپذیر است.

۱- ایجاد زمینه عدالت قیمتی در انعقاد قراردادهای حسابرسی بخش خصوصی با بخشهای دولتی و حاکمیتی،

۲- جلوگیری از خروج نیروی کارآمد از بدنه اجرایی نظام حسابرسی کشور با توجه به پیشرانی آن در بحث شفافیت،

۳- اجتناب از نرخ شکنی و فساد احتمالی از طریق مکانیزه نمودن تعیین نرخ قراردادها و به تبع آن نظارت سیستمی (مکانیزه نمودن تعیین نرخ قراردادها و به تبع آن نظارت سیستمی بر روی آنها برای اجتناب از نرخ شکنی)،

۴- کمک به بهبود نظام نظارت بر فرایند کیفیت خدمات حسابرسی،

۵- یکسان‌سازی روشها (نه نرخها، چرا که حداقل نرخهای ساعتی خارج از ایران حتی کشورهای همجوار و منطقه بیش از ۲۵ برابر ایران می‌باشد) همگام با تجربیات جهانی همچون یکسان‌سازی استانداردهای حسابداری و حسابرسی،

۶- توجه و تبلور پذیرش ریسک حسابرسی در قراردادهای منعقد،

۷- کمک به ساختارسازی موسسات حسابرسی بخش خصوصی.

امید است با ارائه و تصویب سناریو سوم شاهد ارتقاء پایداری موسسات حسابرسی در جهت استقرار کامل نظام شفافیت کشور باشیم.

سازش

به نظر شما افشای عملکرد موسسات حسابرسی تا چه

وضعیت فعلی در زمینه

بحران نرخ حق الزحمه از یک سو

توقف فعالیت برخی از موسسات و

خروج شاغلین در حرفه را

نشانه رفته است

سال قبل می‌بایست حداقل به این درصد افزایش یابد) در راستای اجرای مفاد ماده (۵) "آیین‌نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی" مصوب وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی و به موجب عملیاتی شدن مفاد ماده (۴) همین آیین‌نامه نرخ پایه مبنای محاسبه حق الزحمه ارائه خدمات حسابرسی بر حسب رتبه‌های شغلی حساب‌رسان، بلافاصله پس از اعلام از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در هر سال تعیین می‌گردد. براساس ابلاغیه‌های سالانه دبیرکل محترم جامعه، نرخ پایه حق الزحمه رتبه‌های حسابرسی نسبت به سال قبل درصدی افزایش یافته است.

سناریو سوم: مرتبط نمودن نرخ حق الزحمه قراردادهای

حسابرسی با اندازه واحد مورد رسیدگی

بیش از ۲ دهه از عمر جامعه حسابداران رسمی و شروع به کار بخش خصوصی با قوانین حاکم بر آن می‌گذرد در اوایل تشکیل جامعه، آیین‌نامه‌ها به‌گونه‌ای تدوین گردیده است که شاید نیازهای آن روز را پاسخ می‌داد لیکن امروزه با تغییر شرایط و فضای حاکم بر کسب‌وکار و پیچیدگیهای آن، بعضاً و نسبتاً برخی از این آیین‌نامه‌ها کارایی منطقی خود را به‌منظور اهداف نظارتی و شرایط اقتصادی از دست داده‌اند. به‌طوری‌که

رسیدگی می‌باشد.

- فقدان نظارت حرفه‌ای بر خط، که اگر این چنین نظارتی می‌بود تکمیل پرونده به بعد از حسابرسی و به زمان ظرفیت خالی موسسه موکول نمی‌شد.
- کشش‌پذیری اجرای عملیات با هرگونه بهای تمام شده‌ای.
- عدم حمایت از شفافیت در بخشهایی از حاکمیت.
- قالب بودن تفکر اشتباه مبنی بر این‌که بخش خصوصی در باب قضاوت حرفه‌ای ناکارآمد است.
- و به اعتقاد بنده صدمات ناشی از سرکوب نرخهای حسابرسی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:
- لطمه احتمالی به استقلال حسابرس
- از دست دادن اعتبار و اعتماد حرفه حسابرسی نزد ذینفعان
- عمیق‌تر شدن فاصله انتظارات
- از دست دادن سرمایه فکری حرفه با کوچ حرفه‌ایها از آن
- عدم تمرکز بر بهبود مستمر در راستای ساختارسازی آتی محور
- نابودی فرضیه رشد متوازن، در حرفه.

سپاس

رشد متوازن را بیشتر برای خوانندگان حسابرسی توصیف بفرمایید.

شجری

در خصوص رشد متوازن همانگونه که مستحضرید حرفه حسابرسی از نقصانهای بسیاری رنج می‌برد اگر چه حق الزحمه نامناسب در بلندای مشکلات حرفه است لیکن ریشه همه این نقصانها را نمی‌توان به تنهایی در حق الزحمه خلاصه کرد. به دلیل عدم رشد حق الزحمه متناسب با تورم در سالهای متمادی، خسارات قابل توجهی به حرفه وارد شد لیکن در ابعاد دیگری (از قبیل بهره‌وری در جهت کاهش بهای تمام شده، مدیریت منابع انسانی، فقدان درآمدهای پایدار و متنوع، اجرای مدرن حسابرسی با استفاده از روشهای نوین فناوری اطلاعات و تسلط به شرکت‌داری و برندسازی) نیز رشد متوازن نبوده است.

سپاس

بحث حق الزحمه برای همراهان حسابرسی خواندنی و جذاب است. از همراهی جنابعالی در این گفتگو سپاسگزاریم.



حد می‌تواند بر شفافیت و تسهیل انتخاب حسابرس و همچنین تعیین حق الزحمه معقول اثر داشته باشد؟

شجری

معیارهای متفاوتی برای انتخاب حسابرسان وجود دارد برخی از این معیارها که امروزه در شرکتهای بزرگ دنیا در انتخاب حسابرس مورد استفاده قرار می‌گیرید شامل معیارهای سطح تجربه حسابرس، میزان حق الزحمه نسبت به سایر موسسات، مدت قرارداد و هزینه‌های آتی، استفاده موسسه حسابرسی از خدمات فناوری اطلاعات، اندازه (سایز) موسسه، تنوع خدمات قابل ارائه در موسسه، تمایل به ارائه راه‌حلهای نرم‌افزاری مدرن و مشاوره‌های سالم، و در نهایت برند موسسه می‌باشد. به اعتقاد بنده افشای عملکرد موسسات در قالب صورتهای مالی حسابرسی شده آنها نمی‌تواند معیار درستی در این زمینه تلقی گردد لیکن افشای برخی از معیارها از قبیل درآمد موسسات، تعداد شرکا و کارکنان در رده‌های مختلف و فهرست و تنوع ارائه خدمات موسسات در صنایع مختلف، می‌تواند به مشتریان در انتخاب حسابرس کمک نماید.

سپاس

به نظر شما دلایل سرکوب نرخهای حق الزحمه قراردادهای حسابرسی ظرف بیش از دو دهه چیست و صدمات ناشی از سرکوب این نرخهای چه تبعاتی را دربر داشته است؟

شجری

به اعتقاد بنده دلایل سرکوب نرخهای حق الزحمه قراردادهای حسابرسی ظرف بیش از دو دهه را می‌توان در قالب موارد زیر بیان نمود.

- ذات محافظه‌کاری در میان حسابرسان منجر به کاهش تلاش برای انعقاد قرارداد مناسب حسابرسی گردیده است.
- مدیران عامل موسسات حسابرسی بر اساس محدودیتهای اساسنامه‌ای عمدتاً افرادی با دانش فنی بسیار قوی ولی دانش اداره نمودن یک کسب‌وکار سودده بسیار ضعیف بوده‌اند که راه‌حل آن، می‌تواند داشتن اختیار به انتخاب مدیران عامل موسسه، خارج از حسابداران رسمی باشد.
- رقابت ناسالم در میان موسسات حسابرسی که خود برگرفته از فقدان نرخهای پایه‌ای متناسب با اندازه شرکتهای مورد